

منابع طبیعی، نهادها، رشد اقتصادی^۱

Jebadi@ut.ac.ir

جعفر عبادی

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

alinikoo77@gmail.com

علی نیکونستی

پژوهشگر

دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۰۲ | پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

چکیده: در خلال سال‌های اخیر تبیین‌های نهادی به تبیین‌های غالب درباره علل نفرین منابع بدل شده است. ما در این مقاله از میان رویکردهای مختلف نهادی، بر نظریه نورث و همکارانش تاکید نمودیم که معتقدند مسئله اساسی در زمینه رشد اقتصادی کشورها نه کیفیت یک یا چند نهاد خاص بلکه روش پدید آوردن نظم در جامعه است. به نظر آنها نحوه پدید آوردن نظم، کیفیت نهادی و به تبع آن رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بررسی‌های ما درباره رشد اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی در خلال سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ که با روش اقتصادسنجی انجام شده است، نشان می‌دهد که نظریه نورث و همکارانش در مورد کشورهای دارای منابع طبیعی هم صادق است و کشورهای دارای منابع طبیعی که نظمی دموکراتیک دارند، دچار "نفرین منابع" نشده‌اند و توانسته‌اند از منابع خود در جهت رشد اقتصادی استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: دموکراسی، رشد اقتصادی، منابع طبیعی، نفرین منابع، نهاد

طبقه‌بندی JEL: E02, T48

۱. مقاله با حمایت مالی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی تدوین شده است.

مقدمه

بحث تاثیر منابع طبیعی بر توسعه کشورها همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. در سال‌های آغازین دهه ۱۹۵۰ بسیاری از اندیشمندان توسعه معتقد بودند که کشورهای در حال توسعه با مازاد نیروی کار و کمبود سرمایه‌گذاری مواجه هستند و با صادرات منابع طبیعی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، می‌توانند بر این مشکل غلبه کنند. هر چند در همان زمان نیز گروه اندکی معتقد بودند که این مسئله، شکاف کشورهای فقیر و غنی را زیادت‌ر می‌کند، به طوری که با توجه به تغییرات قیمتی شدید درآمد آن قابل اتکا نیست و یا به طور اصولی کشورهای صنعتی علاقه‌ای به کمک در جهت پیشرفت این کشورها ندارند (راس، ۱۹۹۹، ۳۰۱). اما این مباحث به همین جا ختم نشد و دامنه آن گسترش یافت. نخستین بار این مهدوی^۱ بود که در سال ۱۹۷۰ اصطلاح دولت رانتی^۲ را برای اشاره به وضعیت کشورهای صادرکننده نفت به کار گرفت^۳ (سندیکن، ۲۰۰۶، ۱۳۵). مهدوی در مقاله‌ای با عنوان «چارچوب‌ها و مسائل اقتصاد توسعه در دولت‌های رانتی: مورد ایران» با اشاره به وضعیت ایران و خاورمیانه یادآور شد که درآمدهای نفتی باعث عدم پاسخگویی حاکمان به مردم می‌شود (هابر و منالود^۴، ۲۰۱۰، ۲). همزمان با بحث مهدوی کشف منابع گاز و صادرات در اروپا به ویژه هلند نه تنها باعث رشد بلند مدت کشور نشد بلکه به تدریج افزایش تورم و بیکاری را در پی آورد و اصطلاح بیماری هلندی^۵ را برای اشاره به مشکلات کشورهای صادرکننده مواد خام بر سر زبان‌ها انداخت (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹، ۶۷۵). اما به تدریج انتقادات به نظریه بیماری هلندی بالا گرفت و منتقدان به تمرکز بیش از حد این نظریه‌ها بر مباحث کلان مانند نرخ ارز و جانشینی جبری، اعتراض داشتند و به تدریج تبیین‌ها بر مباحث اقتصاد سیاسی و ساختاری متمرکز شد (استیونس و دیتسچی^۶، ۲۰۰۸، ۵۷). این مباحث ادامه داشت تا اینکه در نهایت آتی^۷ در سال ۱۹۹۱ اصطلاح نفرین منابع^۸ را مطرح کرد و نشان داد که صادرات منابع طبیعی، اثراتی بیش از مسائل ارزی و پولی که در بیماری هلندی مورد توجه قرار می‌گیرد، دارد و به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. نظریه نفرین منابع در حال حاضر نظریه غالب در تحلیل وضعیت کشورهای دارای منابع طبیعی محسوب می‌شود و همچنان بحث پیرامون آن

1. Mahdavy, Hussein
2. rentier state

۳. این واژه پیش از این توسط افرادی دیگر من جمله لنین برای منظوری متفاوت به کار گرفته شده بود (راس، ۲۰۰۱، ۳۲۹).

4. Sandbakken
5. Haber, Stephen, Menaldo, Victor
6. Dutch Disease
7. Stevens, Paul, Dietsche, Evelyn
8. Auty, Richard M
9. Resource Curse

ادامه دارد. در ادامه به تفصیل به بحث نفرین منابع خواهیم پرداخت و سعی می‌کنیم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که چرا بسیاری از کشورهای دارای منابع طبیعی، رشد اقتصادی کمی دارند و چرا برخی از کشورها در بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی موفق هستند و سایر کشورها موفق نیستند. با توجه به مطالب فوق در ادامه نخست به بررسی ادبیات پیرامون نفرین منابع می‌پردازیم. سپس به مجموعه‌ای از نظریه‌ها اشاره می‌کنیم که به نقش نهادها در نفرین منابع اشاره می‌کنند و در نهایت می‌کوشیم با استفاده از آخرین دستاوردهای نظریه‌های نهادی، تبیین بهتری از تاثیر منابع بر رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی ارائه کنیم.

نفرین منابع

همان‌طور که اشاره شد اصطلاح نفرین منابع اولین بار در سال ۱۹۹۳ توسط آتی مطرح شد. آتی این بحث را در کتابی با عنوان «توسعه حمایت شونده در اقتصادهای معدنی: قضیه نفرین منابع»^۱ مطرح نمود. وی در این کتاب این بحث را مطرح می‌کند که گرچه بر طبق دیدگاهی سنتی در توسعه، نقش منابع طبیعی در توسعه کشورها در مراحل اولیه توسعه حیاتی است، اما شواهدی که از تلاش کشورها در راه صنعتی شدن پس از جنگ جهانی دوم بدست آمده است و همچنین عملکرد کشورهای در حال توسعه دارای منابع معدنی از سال ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که ممکن است این منابع برای کشورهایی با درآمد پایین و متوسط، کمتر سودمند باشند. آتی ادامه می‌دهد: «شواهد جدید نشان می‌دهد نه تنها ممکن است که کشورهای دارای منابع طبیعی غنی^۲ در استفاده از این موهبت‌ها شکست بخورند بلکه ممکن است به طور بالقوه عملکردی بدتر از کشورهای کمتر بهره‌مند^۳ از منابع طبیعی داشته باشند. این نتایج بحث برانگیز بنیان نظریه نفرین منابع است» (آتی، ۱۹۹۳، ۱). یک سال پس از اینکه آتی این بحث را مطرح نمود، دی لانگ و ویلیامسون^۴ (۱۹۹۴) نشان داد که عملکرد کشورهای دارای منابع طبیعی، معطوف به دوران پس از جنگ جهانی نبوده است و مقایسه عملکرد کشوری غنی مانند اسپانیای قرن ۱۷ که به منابع طلای آمریکای جنوبی دست یافته بود، در برابر سوئیس یا ژاپن در برابر روسیه در قرن نوزدهم، نشان می‌دهد که این مسئله قدمتی طولانی دارد (استی جنز^۵، ۲۰۰۵، ۱۰۷).

1. Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis
2. resource-rich countries
3. less well-endowed countries
4. De Long and Williamson
5. Stijns Jean-Philippe C

دارای منابع فراوانی هستند، رشد آهسته‌تری از کشورهای دارند که از نظر منابع طبیعی فقیر هستند (ساجس و وارنر^۱، ۲۰۰۱، ۸۲۷). اما در حالی که در بحث بیماری هلندی تاکید بر مدل‌های اقتصادی بود، در بحث نفرین منابع به مباحث اقتصاد سیاسی و انگیزه‌های سیاسی توجه بیشتری می‌شود (رابینسون، تورویک و ردیر^۲، ۲۰۰۶، ۴۵۰).

با این حال تبیین‌های مختلفی درباره علل وقوع نفرین منابع وجود دارد. همان‌طور که رابینسون و همکاران (۲۰۰۶) و تورویک (۲۰۰۹) اشاره می‌نمایند این نظریه‌ها را می‌توان به چند گروه تقسیم‌بندی کرد. با اتکا به تقسیم‌بندی‌های این اندیشمندان می‌توان در مجموع این نظریه‌ها را به صورت ذیل تقسیم‌بندی کرد:

۱- گروه اول شامل نظریه‌هایی مرتبط با سنت بیماری هلندی است که نمونه بارز آن مقاله ساجس و وارنر (۱۹۹۵)، و تورویک (۲۰۰۱) است و همچنان بر مسائلی مانند مزیت نسبی، صادرات و بهره‌وری کل^۳ عوامل تولید تاکید دارد.

۲- گروه دوم شامل نظریه‌هایی است که بر بحث رانت جویی تاکید می‌کنند: نمونه بارز آنها همان‌طور که رابینسون و همکاران^۴ (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند، مقاله‌های است که توسط بالند و فرانکوایس^۵ (۲۰۰۰)، لین و تورنل^۶ (۱۹۹۹) و تورویک (۲۰۰۲) نوشته شده‌اند. این نظریه‌ها در تبیین خود اشاره‌ای به نقش نهادها نمی‌نمایند.

۳- گروه سوم، شامل نظریه‌هایی است که بر نقش نهادها تاکید می‌نمایند که همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، خود حداقل به دو گروه تقسیم می‌شوند.

تاکید بر نقش نهادها

در خلال سال‌های اخیر توجه به نقش نهادها در رشد و توسعه کشورهای دارای منابع طبیعی بسیار افزایش یافته است و محققان گوناگونی از جمله گیلیفسون^۷ (۲۰۰۱)، وانتیچکن^۸ (۲۰۰۲)،

1. Sachs, Jeffrey D, Warner, Andrew M
2. Robinson, James A, Torvik, Ragnar, Verdier, Thierry
3. total factor productivity(TFP)
4. Robinson, James A, Torvik, Ragnar, Verdier, Thierry
5. Baland and Francois
6. Lane and Tornell
7. Gylfason¹, Thorvaldur
8. Wantchekon, Leonard

گیلیفسون و زویگا^۱ (۲۰۰۶)، کارل^۲ (۲۰۰۷)، ملهوم، موانی و تورویک^۳ (۲۰۰۶)، رابینسون، تورویک و ردیر (۲۰۰۶)، کولیر و هوافلر^۴ (۲۰۰۹) و تورویک^۵ (۲۰۰۹) نشان دادند که وجود منابع معدنی و صادرات آنها علتی برای کاهش رشد اقتصاد در بلندمدت و یا رواج دیکتاتوری نیست، بلکه نهادهای یک کشور هستند که آینده توسعه و دموکراسی در کشور را رقم می‌زنند. در ایران نیز چند مقاله درباره اثر نهادها بر رشد و توسعه کشورهای دارای منابع طبیعی منتشر شده است. از آن جمله میرشجاعیان و رهبر (۱۳۹۰) که از شاخص حکمرانی بانک جهانی به عنوان شاخص کیفیت نهادی استفاده می‌کنند. همچنین مهرآرا و کیخا (۱۳۸۷) با اشاره به چندین مقاله خارجی از جمله گیلیفسون (۲۰۰۱)، چند شاخص مختلف از جمله فساد، کیفیت نظم، اثر بخشی دولت و ثبات سیاسی برای ساختن شاخص کیفیت نهادی استفاده کنند. اما همان‌طور که در ادامه خواهیم دید در سال‌های اخیر مباحث جدیدی درباره اثر نهادها بر رشد و توسعه کشورها مطرح شده است که این مقاله‌های به آن اشاره نمی‌کنند. توجه به نقش نهادها در تحلیل مسائل کشورهای دارای منابع طبیعی علل مختلفی دارد. از جمله رواج تحلیل‌های نهادی در مراکز دانشگاهی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در سال‌های اخیر بسیار گسترش یافته است (جیمسون، ۲۰۰۶). اما مسئله دیگری که باعث توجه به نهادها شد، موفقیت برخی از کشورهای دارای منابع طبیعی مانند نروژ و بوتسوانا و شکست بسیاری از کشورهای دیگر است. در واقع همان‌طور که ترویک اشاره می‌کند در سال‌های اخیر یک سؤال در ادبیات نفرین منابع، جایگزین سؤال قبلی وجود یا عدم وجود این نفرین شده است و آن اینکه «چرا برخی از کشورهای دارای منابع فراوان طبیعی، موفق شدند و بقیه موفق نشدند؟» (تورویک، ۲۰۰۹، ۲۴۲). نمونه بارز این مسئله را می‌توان در مقاله بسیار ارجاع داده شده ملهوم و همکارانش یافت که با توجه به موفقیت برخی کشورها و عدم موفقیت دیگر کشورها می‌نویسند: «برای توضیح این تجربیات متفاوت در این مقاله ما این مسئله را بررسی می‌کنیم که به چه میزان برندگان و بازندگان رشد، دارای ترتیب‌های نهادی به‌طور اساسی متفاوتی بوده‌اند» (ملهوم و همکاران، ۲۰۰۶، ۱). در واقع تا پیش از توجه به نقش نهادها، تبیین تفاوت میان کشورهای دارای منابع طبیعی امکان پذیر نبود. این نقدی است که رابینسون و همکارانش (۲۰۰۶) به تبیین‌های اولیه وارد می‌آورند که با

1. Gylfason1, Thorvaldur, Zoega, Gylfi
2. Karl, Terry
3. Mehlum, Halvor, Moene, Karl Ove, Torvik, Ragnar
4. Collier, Paul, Hoeffler, Anke
5. Torvik, Ragnar
6. Jameson, Kenneth P

وجود اشاره درست به مباحثی مانند رانت جویی، نمی‌توانستند تفاوت میان کشورها را توضیح دهند و به نظر آنها «آشکارترین تبیین و چیزی که ما گسترش می‌دهیم، توجه به عامل حیاتی تعامل میان نهادها و منابع است» (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۶، ۴۵۱). بسیاری از اندیشمندان دیگری نیز که به نقش نهادها به عنوان عامل تفاوت کشورهای دارای منابع طبیعی اشاره می‌کنند، برای نشان دادن درستی نظریه خود به وضعیت کشور نروژ، اشاره می‌کنند که علی‌رغم صادرات نفت، رشد بلندمدتی در این سال‌ها داشته است و کشوری دموکراتیک می‌باشد (وانتچیکن، ۲۰۰۲، رابینسون، تورویک و ردیر ۲۰۰۶)، یا به عنوان مثال گیلیفسون و زویگا به تفاوت میان کشورهای بوتسوانا و سیرالئون اشاره می‌کنند که هر دو صادر کننده الماس هستند، در حالی که بوتسوانا رشد خوبی داشته است ولی سیرالئون بسیار فقیر است (گلیفسون و زویگا، ۲۰۰۶، ۱۰۹۱).

اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود این است که ما با تحلیلی واحد درباره نقش نهادها در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی روبرو نیستیم. مسئله‌ای که متأسفانه‌ها در ایران کمتر به آن توجه شده است. کولستاد^۱ معتقد است که دو رویکرد نهادی در این میان وجود دارد: رویکرد نخست که متعلق به ملهوم و همکاران (۲۰۰۶) است و بر بحث رانت‌جویی^۲ متمرکز است. رویکرد دوم که متعلق به رابینسون و همکاران (۲۰۰۶) است و بر بحث قیومیت^۳ متمرکز است (کولستاد، ۲۰۰۹، ۴۳۹). همان‌طور که کولستاد در مقاله خود توضیح می‌دهد، ما در این‌جا با دو گونه نهاد متفاوت روبرو هستیم. در مقاله ملهوم و همکارانش که بر بحث رانت جویی و کارآفرینی متمرکز است، تاکید بحث بر نهادهای بخش خصوصی^۴ است که رفتار کارآفرینان و سودآوری فعالیت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در حالی که در مقاله رابینسون بر نهادهای بخش عمومی^۵ تاکید می‌شود که تخصیص منابع در حوزه عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهند (کولستاد، ۲۰۰۹، ۴۴۰-۴۳۹). اینکه بر اساس کدام رویکرد به تحلیل نقش نهادها در رشد و توسعه کشورهای دارای منابع طبیعی بپردازیم و به عبارت دیگر کدام رویکرد را درست بدانیم، توصیه‌های سیاسی متفاوتی حاصل می‌شود. اگر بر نهادهای بخش خصوصی تاکید کنیم، مباحثی مانند برابری حقوقی، کارآمدی بوروکراتیک^۶، سلب مالکیت^۷ و نقض

1. Kolstad, Ivar
2. rent-seeking
3. patronage

۴. کولستاد در مقاله دیگری همین تقسیم‌بندی را ذیل عنوان اقتصاد سیاسی نفرین منابع ارائه می‌دهد و به برخی آثار دیگر در این زمینه اشاره می‌کند برای اطلاع بیشتر بنگرید به کولستاد و ویگ (۲۰۰۹).

5. private sector institutions
6. public sector institutions
7. bureaucratic efficiency
8. Expropriation

قرارداد^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که اگر بر نهادهای بخش عمومی تمرکز کنیم: پاسخگویی نهادهای عمومی در مرکز توجه قرار می‌گیرد (کولستاد، ۲۰۰۹، ۴۴۰).

گرچه این تقسیم‌بندی کولستاد درست به نظر می‌رسد اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد تحولاتی است که در سال‌های اخیر در جریان نهادی روی داده است. در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در زمینه بررسی اثر نهادها بر رشد و توسعه اقتصادی حاصل آمده است که توجه به آنها، باعث تحول در بحث نهادها و نفرین منابع می‌شود.

رویکردهای نوین نهادی و دلالت‌های آن در بحث نفرین منابع

همان‌طور که اشاره شد در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در ادبیات نهادها و رشد اقتصادی ایجاد شده است که در نظریه‌هایی که درباره نقش نهادها در کشورهای دارای منابع طبیعی مطرح شده، به آنها توجهی نشده است. لذا در ادامه نخست به بررسی این پیشرفت‌ها می‌پردازیم و پس از آن این مسئله را بررسی می‌کنیم که آیا از این تبیین‌ها می‌توان برای تحلیل مسائل کشورهای دارای منابع طبیعی استفاده کرد.

در خلال سال‌های اخیر تبیین‌های گوناگونی درباره اثر نهادها بر رشد و توسعه اقتصادی ارائه شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نورث^۲ (۱۹۹۰، ۲۰۰۵)، گریف^۳ (۲۰۰۶)، آسم اوغلو، جانسون و رابینسون^۴ (۲۰۰۱) شرلی^۵ اشاره کرد. اما یکی از بدیع‌ترین تبیین‌ها در این زمینه تبیینی است که توسط نورث و همکارانش ارائه شده است. آن‌ها با انتشار چند اثر پژوهشی، تبیین نوینی از ارتباط میان نهادها، توسعه و دموکراسی ارائه کرده اند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

نورث و همکارانش خشونت را مشکل پیش روی تمام جوامع می‌دانند^۶ (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹a، ۱۳). آنها نظم را در برابر خشونت می‌دانند و معتقدند در نبود نظم، خشونت جامعه را فرا می‌گیرد. اما جوامع برای رسیدن به نظم راه‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند که دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر است. به نظر آنها به جز نظم جستجویی^۷ که تنها در زمانی محدود در ابتدای تاریخ وجود

1. repudiation of contracts
2. North
3. Greif
4. Acemoglu, Johnson&Robinson
5. Shirley

۶. البته پیش از نورث و همکارانش، کامونز (۱۹۳۴) هم به بحث خشونت اشاره کرده بود

7. foraging order

داشته است، در طول تاریخ بشر دو نوع نظم وجود داشته است: نظم محدود (یا حکومت طبیعی)^۱ و نظم عام^۲ که از اساس با یکدیگر متفاوت هستند.

نظم محدود حاصل توافق اعضای قدرتمند یک جامعه جهت از بین بردن خشونت است. این اعضا با هم ائتلافی را تشکیل می‌دهند و اساس این ائتلاف نیز تقسیم رانت میان اعضا است. تداوم ائتلاف نیز بستگی به تداوم توزیع رانت دارد. (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹، ۶۰، b-۵۹) به عبارت دیگر در دولت طبیعی، تنها نخبگان، ائتلاف غالب هستند که فعالیت در یک عملکرد حیاتی مانند مذهب، تولید، منابع، تجارت، تحصیل یا اجرای عدالت را کنترل می‌کنند یا از آن بهره‌مند می‌شوند. در واقع همین موقعیت، مزایا و رانت‌هایشان است که سبب می‌شود آنها در ائتلاف غالب وابسته به رژیم باقی بمانند و انگیزه کافی برای حمایت و حفظ ائتلاف را نیز دارند زیرا شکست ائتلاف، ریسک خشونت، بی‌نظمی و از دست دادن رانت‌ها را به همراه دارد (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹، ۶۰، b). از میان منابع مختلف رانت نیز «از جمله با ارزش‌ترین منبع رانت نخبگان مزیت تشکیل سازمان‌هایی است که دولت از آنها حمایت خواهد کرد. سازمان‌های نخبگان رانت‌ها را تولید خواهند کرد و آن را میان اعضا ائتلاف تقسیم می‌کنند. به وسیله تعبیه مسیری برای حمایت کردن از سازمان‌های قراردادی و سپس گسترش مزایای تشکیل چنین سازمان‌هایی تنها به اعضا ائتلاف غالب رانت را تولید و توزیع می‌کند.» (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹، ۶۰، b). اما این شیوه اداره جامعه هرچند خشونت را از بین می‌برد اما مضراتی نیز به همراه دارد که به نظر نورث مهم‌ترین آنها مختل شدن رشد بلند مدت است (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹، ۶۱، b).

به نظر نورث و همکارانش کنترل خشونت در نظم عام، مبتنی بر سه عنصر اساسی است: نخست سیستم سیاسی که یکپارچگی کنترل ارتش و نیروهای پلیس را خلق می‌کند. به نظر آنها دومین عنصر مهم، مجموعه‌ای از نهادها و انگیزه‌ها است که سیستم سیاسی را مقید و مشروعیت استفاده از خشونت را محدود می‌کند و سومین عنصر سیستم اقتصادی با دسترسی باز که با نهادهای سیاسی درهم آمیخته است. برای اینکه سیستم سیاسی را از دست کاری منافع اقتصادی بازدارد و تضمین کند که اگر یک گروه سیاسی از کنترلش بر ارتش سوء استفاده کند منصبش را از دست خواهد داد (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹، ۶۱، b). این شیوه متفاوت اداره جامعه، رقابتی سخت را در میان افراد

1. limited-access order (or natural state)
2. open-access orders

اصطلاحاتی مانند نظم محدود (یا حکومت طبیعی) و نظم عام همان‌طور که نورث و همکارانش اشاره می‌کنند تنها یک نام‌گذاری هستند و هیچ بار مفهومی خاصی ندارند.

جامع برای بدست آورد برتری و رانت پدید می‌آورد اما در اینجا رانت حاصل، محدود کردن دسترسی نیست بلکه حاصل نوآوری و خلاقیت است (نورث، والیس، وینگست، ۶۳، ۲۰۰۹b-۶۱). در واقع ساختار نهادی نظم عام سبب می‌شود که این نظم دارای کارآمدی تطبیق‌پذیر^۱ باشد. به این معنا که در برابر شوک‌های فراوانی که هر نظامی با آن روبرو است بسیار تطبیق‌پذیرتر و انعطاف‌پذیرتر است. علت این امر نیز آن است که به دلیل دسترسی باز، این جوامع محدوده‌ای از ایده‌ها را در مواجهه با مسایل پیچیده تولید می‌کنند. در واقع در این نظام که رقابت اساس آن است، در فضای سیاسی نیز صاحب منصبانی انگیزه قوی برای تطبیق دادن سیاست‌ها به شیوه‌ای که مشکلات را حل نماید، زیرا آنها می‌دانند شکست در حل مشکلات باعث از دست رفتن قدرت سیاسی خواهد شد. از سوی دیگر مخالفان سیاسی انگیزه‌های قوی برای ابداع راه‌حل‌های خلاق برای حل مشکلات دارند. به ویژه اگر صاحب منصبان راه حلی برای آن مشکلات نداشته باشند، در فضای رقابتی، مخالفان ارائه راه حل برای مشکلات را وسیله‌ای برای به دست گرفتن قدرت می‌دانند (نورث، والیس، وینگست، ۶۳، ۲۰۰۹b).

نکته‌ای که نورث و همکارانش چندین بار به آن اشاره کرده‌اند تفاوت‌های میان جوامع است که بسیار گسترده‌تر از انتخابات است و در این میان آنها تاکید خاصی بر نهادها دارند. به نظر آنها اگر هدف نظام دموکراتیک را پاسخگویی به علایق شهروندان و کاهش فساد سیاسی در نظر بگیریم، برای دستیابی به آن نیازمند چیزی بیش از انتخابات هستیم. به نظر نورث و همکارانش دموکراسی نیازمند نهادهای سیاسی رسمی دموکراتیک است. اینکه تمام افراد جامعه بتوانند سازمان‌های پویای سیاسی و اقتصادی پویایی را به وجود آورند یا در آن شرکت کنند و این تنها مختص به نخبگان ائتلاف غالب نباشد. همچنین دموکراسی نیازمند مطبوعات آزاد است که دسترسی آزاد به اطلاعات را فراهم آورند (نورث، والیس، وینگست، ۵۶، ۲۰۰۹b). آنها بر این نکته تاکید می‌کنند که «در بلندمدت دسترسی آزاد سیاسی نمی‌تواند بدون دسترسی آزاد اقتصادی حمایت شود و متقابلاً نیز چنین است. اگرچه شواهد چند دهه اخیر مختلط است اما به نظر می‌رسد در طول دو قرن اخیر توسعه سیاسی و اقتصادی با هم همراهی داشته‌اند» (نورث، والیس، وینگست، ۵۶، ۲۰۰۹b).

اما این دو شیوه متفاوت کاهش خشونت که به‌طور عملی به دو شیوه متفاوت اداره جامعه انجامیده است، اثرات متفاوتی نیز داشته است. یکی از مهم‌ترین این اثرات تفاوت در رشد و عملکرد اقتصادی است. «اگرچه نتایج اقتصادی به‌طور مستقیم به نتایج سیاسی مرتبط نمی‌شود ولی رشد آرام اما پایدار جوامع با دسترسی آزاد بر این امر دلالت می‌کند که توسعه مدرن به تنهایی حاصل رشد سریع‌تر

است بلکه در عوض نتیجه شکل جدیدی از سیاست، اقتصاد و سازمان‌های اجتماعی است که به یک جامعه امکان اداره بهتر تغییر را می‌دهند. تفاوت بین عملکرد اقتصادی مرتبط با دسترسی محدود و دسترسی عام جوامع، توانایی متفاوت این دو نوع نظم برای رسیدگی کردن به تغییر را بازتاب می‌دهد که شامل طیف وسیعی از تغییرات ناگهانی تا شوک‌هاست.» (نورث، والیس، وینگست، ۵۷، ۲۰۰۹b). به نظر آنها گذار از نظم طبیعی به نظم عام، دو مرحله دارد. در مرحله اول حاکمیت ترتیبات نهادی‌ای را توسعه می‌دهد که به نخبگان اجازه می‌دهد در بین خودشان روابط غیر شخصی داشته باشند. نورث و همکارانش این مرحله را مرحله برون رفت می‌دانند و معتقد هستند سه شرط برای پدید آمدن این مرحله مورد نیاز است که عبارت است از ۱) به کارگیری حاکمیت قانون برای همه‌ی نخبگان ۲) خلق سازمان‌های نخبگان همیشه پاینده^۱ در فضای عمومی و خصوصی ۳) کنترل سیاسی یکپارچه بر ارتش. این تغییرات باعث پدید آمدن فرصت‌های جدیدی برای نخبگان می‌شود و به آنها انگیزه می‌دهد تا این روابط غیرشخصی را گسترش دهند. حاصل این گذار این است که همه افراد این حق را پیدا می‌کنند که سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل دهند، حتی که پیش از این تنها به نخبگان ائتلاف غالب اختصاص داشت و منبع رانت به حساب می‌آمد. با از بین رفتن این منبع رانت، ائتلاف غالب نیز از هم می‌پاشد و منطق رقابت جایگزین آن می‌شود (نورث، والیس، وینگست، ۶۴، ۲۰۰۹b-۶۳). البته آن‌ها بلافاصله یادآور می‌شوند که به‌طور لزوم تمام جوامع گذار را تجربه نمی‌کنند و ممکن است نظم طبیعی تا مدت‌ها در کشوری باقی بماند.

در نهایت نورث و همکارانش به این نکته اشاره می‌کنند که مسئله اضافه کردن یک یا چند نهاد خوب^۲ مانند دموکراسی، حقوق مالکیت و برابری حقوقی نیست (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹b، ۲۶۳) بلکه در واقع تفاوت در بنیان نظم است و تنها در سایه وجود نظم عام (دموکراتیک) است که نهادهایی شکل می‌گیرند و که برای حفظ دموکراسی، حقوق مالکیت و موارد مشابه ضروری هستند. «رویکرد ما یک چشم‌انداز جدید به مسئله توسعه سیاسی و اقتصادی ارائه می‌کند. توسعه مسئله اضافه کردن سرمایه بیشتر یا پیوند زدن نهادهای درست مانند دموکراسی، حقوق مالکیت، بازار و برابری حقوقی به جوامع نیست. هیچ یک از آنها به سادگی ارائه ترکیبی درست از بیمه عمومی یا تحصیلات را فراهم نمی‌آورند» (نورث، ۲۰۰۸، ۱۴).

1. perpetually lived elite organizations
2. right institution

دلالت‌هایی برای بحث نفرین منابع

بر اساس مطالب فوق، نورث و همکارانش معتقدند که ما با ساختاری نهادی مواجه هستیم که رشد اقتصادی و توسعه کشورها را تعیین می‌کند. این ساختار برابری حقوقی، وضعیت بازارها و رقابت و بسیاری از مسائل دیگر را تعیین می‌کند. بر اساس این دیدگاه متغیرهایی مانند برابری حقوقی، کیفیت نهادی، دموکراسی و سایر موارد مشابه که همگی در مدل‌هایی که بررسی ارتباط نهادها و منابع طبیعی می‌پردازند مطرح شده‌اند همگی تحت تاثیر وجود یک نظم عام (دموکراتیک) در جامعه هستند. در واقع این نظم عام است که کیفیت نهادی در جوامع را مشخص می‌کند و وجود یک یا چند نهاد به مانند برابری حقوقی، حقوق مالکیت و یا پاسخگویی برای دست یابی به رشد پایدار کافی نمی‌باشد. به عبارت دیگر در سایه نظم عام، ساختاری نهادی شکل می‌گیرد که رشد اقتصادی پایدار را پدید می‌آورد و یک یا چند عنصر از این ساختار به تنهایی برای رشد اقتصادی پایدار کافی نمی‌باشد. برای بررسی این فرضیه در ادامه مدل آماری ذیل ارائه می‌شود.

مدل‌ها و شواهد آماری

تاکنون مدل‌های گوناگونی جهت بررسی اثر نهادها بر رشد اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی ارائه شده است. در میان متغیرهای مختلفی که برای بررسی این مساله مورد استفاده قرار گرفته، شاخص نهادی متغیری بوده است که اندیشمندان مختلف از شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن استفاده کرده‌اند. اما در مجموع دو شاخص بیش از سایر شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفته است: یکی شاخص کیفیت نهادی^۱ که توسط ساچس و وارنر (۱۹۹۷)، ملهوم و دیگران (۲۰۰۶) و بوشینی، پیترسون و رو ای نی^۲ (۲۰۰۷) و تورویک (۲۰۰۹) مورد استفاده قرار گرفته و دیگری شاخص برابری حقوقی^۳ که توسط ساچس و وارنر (۲۰۰۱)، برونس کوپیلر (۲۰۰۸) و کولستاد (۲۰۰۹) مطرح شده است. همچنین شاخص آزادی اقتصادی از دیگر شاخص‌هایی که به عنوان شاخص نهادی توسط برخی از اندیشمندان مانند بلاند و تیاگی^۴ (۲۰۰۹) و لوینگ و محدث^۵ (۲۰۱۱) مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین این محقق‌ها در برخی موارد متغیرهای دیگری را نیز به

1. Institutional quality index
2. Boschini, A., J. Pettersson, and J. Roine
3. Rule of law
4. Beland, L.-P. and R. Tiagi
5. Leong, W. & Mohaddes, K

مدل اضافه کرده‌اند به عنوان مثال برانس کویبلر^۱ (۲۰۰۸) در کنار شاخص برابری حقوقی، از شاخص حکمرانی سازمان ملل، کولستاد (۲۰۰۹) در کنار شاخص برابری حقوقی، از شاخص دموکراسی استفاده کرده‌اند.

اما ما برای بررسی فرضیه خود که بر اساس نظریه نورث و همکارانش (۲۰۰۹) به دست آمده است در این مقاله از شاخص دموکراسی پالیتی^۲ استفاده کرده‌ایم. این شاخص میزان دموکراتیک بودن کشورها را می‌سنجد که مقدار آن بین صفر تا ده متغیر است و عدد ده بیانگر وجود بهترین حالت است. نورث و همکارانش (۲۰۰۹) نیز برای سنجش نظم عام از همین شاخص استفاده می‌کنند. البته همان‌طور که نورث و همکارانش یادآور می‌شوند نظم عام (دموکراتیک) مفهوم گسترده‌ای است که به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست ولی به هر حال در حال حاضر بهترین شاخص برای این مسئله همین شاخص دموکراسی پالیتی است و به قول نورث و همکارانش برای به دست آوردن شاخصی بهتر باید منتظر پژوهش‌های آینده ماند (نورث و همکاران، ۲۰۰۹، ۲۶۳). اما در مورد خود شاخص دموکراسی پالیتی باید گفت که این شاخص که میانگین وزنی چند شاخص مانند حق ابراز عقیده شهروندان، وضعیت قوای اجرایی، برابری حقوقی است، بین صفر تا ده متغیر است که ده بهترین حالت آن است. البته این متغیر برای حالات خاص مانند دخالت خارجی یا کودتا، ضرایب منفی به خود می‌گیرد. به نظر می‌رسد این بهترین متغیری است که می‌شود برای نشان دادن نظم عام از آن استفاده کرد. امری که به احتمال زیاد بنای انتخاب نورث و همکارانش (۲۰۰۹) بوده است.

سایر متغیرهایی که ما در این مدل استفاده می‌کنیم بر اساس مدل ساچس و وارنر (۱۹۹۵) بوشینی و دیگران (۲۰۰۷) و کولستاد (۲۰۰۹) است و به شرح ذیل است:

متغیر وابسته ما رشد سالانه سرانه تولید ناخالص ملی است که در خلال سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفت.

سرمایه‌گذاری (INV) که عبارت از متوسط تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص ملی است. مخارج دولتی (GC) که عبارت از نرخ متوسط رشد نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص ملی است. رشد جمعیت (POP) که عبارت از متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت است. منابع طبیعی (NAT) که عبارت از نسبت منابع طبیعی به تولید ناخالص ملی در سال پایه است. ضریب تعاملی (DN) که عبارت از حاصل ضرب منابع طبیعی (متغیری که با NAT) معرفی شده است نمودیم و شاخص دموکراسی پالیتی است.

1. Brunnschweiler, Christa N
2. Polity IV

LN که معرف تولید ناخالص ملی در سال پایه است.

در خصوص ضریب تعاملی^۱ یا ضریب اثرات متقابل که در بالا به عنوان یک متغیر اضافه شد، یادآور می‌شویم که این ضریب از سوی ملهوم و دیگران (۲۰۰۶)، بوشینی و دیگران (۲۰۰۷) و کولستاد (۲۰۰۹) مورد استفاده قرار گرفته است. این اندیشمندان از این ضریب برای سنجش اثر متقابل عواملی مانند کیفیت نهادی، دموکراسی و حقوقی بر اثر منابع طبیعی و به تبع آن بر رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند. در این مقاله ما از این ضریب برای سنجش اثر منابع طبیعی بر رشد اقتصاد در حالات مختلف دموکراسی جوامع، استفاده می‌کنیم.

روش و همچنین متغیرهایی که ما برای تخمین این مدل استفاده کردیم روشی است که در عموم مقاله‌هایی که درباره نفرین منابع نوشته شده‌اند از جمله ساچس و وارنر (۱۹۹۷)، ملهوم و همکاران (۲۰۰۶) و کولستاد (۲۰۰۹) مورد استفاده قرار گرفته که عبارت از روش مقطعی است.

در مرحله اول مدل ذیل تخمین زده شد:

$$\text{Growth} = C + \ln(\text{gdp}) + \text{INV} + \text{GC} + \text{POP} + \text{NAT} + \text{DN}$$

مدل مورد برآورد دارای خودهمبستگی مرتبه اول مارکوف بود لذا به منظور رفع خودهمبستگی متغیر $\text{ar}(1)$ به آن افزوده شد و نتایج ذیل حاصل آمد.

جدول (۱): نتایج برآورد مدل

متغیر	ضریب	واریانس	آماره t	سطح احتمال
عرض از مبدا	۳/۸۳۳۹	۱/۲۶۵۱	۳/۰۳۰۳	۰/۰۰۳۶
سطح اول GDP	- ۰/۶۶۱۰	۰/۱۵۵۰	- ۴/۲۶۳۰	۰/۰۰۰۱
سرمایه‌گذاری	۰/۱۸۲۷	۰/۰۲۸۴	۶/۴۲۰۸	۰/۰۰۰
مخارج دولت	۰/۱۱۴۵۶۳	۰/۰۵۱۰	۲/۲۴۳	۰/۰۲۹۴
رشد جمعیت	- ۰/۸۷۹۷	۰/۲۱۸۳	- ۴/۰۲۸	۰/۰۰۰۲
منابع طبیعی	- ۰/۱۱۴۱	- ۰/۰۳۳۸	- ۳/۳۷۲۶	۰/۰۰۱۵
ضریب تعاملی	۰/۰۲۳۱۵	۰/۰۰۸۴	۲/۷۳۹۰	۰/۰۰۸۶
R-squared	۰/۶۷۵۲			
Adjusted R-squared	۰/۶۲۸۸			
تعداد کشورها	۵۷			

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده می‌شود منابع طبیعی اثری منفی بر رشد کشورها دارد ولی هنگامی که ضریب تعاملی را بررسی می‌کنیم، نشان می‌دهد که در کشورهایی که نظم عام وجود دارد منابع طبیعی اثر مثبتی بر رشد اقتصاد دارند. برای به دست آوردن حدآستانه در این جا لازم است معادله ذیل را حل کنیم.

$$=0 \text{ (شاخص نظم عام)} = 0/2315 + 0/1141 - 0$$

حاصل معادله فوق ۴/۹۲ است. همان‌طور که گفتیم شاخص پالیسی که از آن به عنوان شاخص نظم عام استفاده کردیم، از صفر تا ده متغیر است که ده بهترین حالت آن است. این متغیر برای حالات خاص مانند دخالت خارجی یا کودتا، ضرایب منفی به خود می‌گیرد. نتایج فوق بیان می‌کند که در کشورهای که شاخص پالیسی بیش از ۴/۹۲ است، منابع طبیعی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. نگاهی به وضعیت این شاخص برای کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که این شاخص برای کشورهایی مانند نروژ، استرالیا و کانادا ده است. برای هند ۸/۴۶، برزیل ۵/۵۳ و بوتسوانا ۶/۹۲ که نشان می‌دهد این کشورها از حدآستانه رد شده‌اند در حالی که این شاخص برای کشورهایی مانند چاد ۱/۴۵، مکزیک ۳/۴۳، اسپانیا ۱/۵۱ و ایران ۲/۲۱ است و برای برخی کشورها مانند سیرالئون، نیجریه و اوگاندا که سال‌ها جنگ داخلی و کودتا را پشت سر گذاشته‌اند این شاخص، منفی^۱ است که نشان می‌دهد این کشورها به حدآستانه نرسیده‌اند.

اکنون به خوبی می‌توان به سوال مهم در بحث نفرین منابع پاسخ داد. چرا کشوری مانند نروژ و بوتسوانا دچار نفرین منابع نشدند در حالی که سیرالئون دچار نفرین منابع شد. یافته این پژوهش تفاوت این کشورها را در وجود نظم عام در کشورهایی مانند نروژ و بوتسوانا و نظم طبیعی در سیرالئون می‌داند. این تفاوت باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای متفاوت از نهادها در این کشورها می‌شود که عامل اصلی رشد و توسعه یا عقب ماندگی این کشورها است.

توصیه‌های سیاستی و دلالت‌هایی برای ایران

همان‌طور که شواهد بالا نشان می‌دهد کیفیت نهادی اثر مهمی بر رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی دارد. با این حال نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت نهادی منحصر به یک یا چند نهاد خاص نیست بلکه تحت تاثیر نحوه ایجاد نظم در جامعه است. لذا با اصلاح یک یا چند

۱. همان‌طور که گفته شد شاخص دموکراسی پالیسی در حالت معمول بین صفر تا ده تغییر می‌کند ولی در صورت وقوع جنگ داخلی، کودتا یا دخالت خارجی این شاخص برای آن سال‌ها منفی خواهد بود که اگر تعداد این سال‌ها در مجموع زیاد باشد باعث می‌شود میانگین کشور منفی شود.

نهاد خاص نمی‌توان به کیفیت نهادی مطلوب دست یافت. توصیه‌های سیاستی نورث و همکارانش با توجه به این مساله جالب است. آنها یادآور می‌شوند که هر نظامی منطق خودش را دارد و بنابراین انتخابات، دواي درد کشورهای با نظم محدود نیست زیرا دموکراسی فقط انتخابات نیست. بلکه این کشورها نیازمند نهادهای مدنی قوی، پاسخگو کردن حاکمان و حمایت همزمان از رقابت سیاسی و اقتصادی هستند که با یکدیگر رابطه دارند (نورث، والیس، وینگست، ۲۰۰۹b، ۵۹-۶۰). در واقع، رشد پایدار نیازمند ساختاری نهادی است که رقابت را تضمین نمایند و این ساختار تنها با برگزاری انتخابات ایجاد نمی‌شود.

اگر به مباحث نورث و همکارانش نگاه دقیق‌تری بیندازیم بهتر می‌توان توصیه‌های سیاستی آنها را درک کرد. همان‌طور که گفته شد، در نظم عام عامل پیشرفت استفاده از ایده‌های بهتر برای حل مشکلات گوناگون و علت استفاده از این ایده‌ها نیز رقابتی است که میان سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. در واقع تلاش برای بقا و پیشرفت در یک دنیای رقابتی آنها را مجبور به استفاده از بهترین ایده‌ها جهت حل مشکلات می‌کند. به نظر می‌رسد تلاش برای پدید آوردن چنین رقابتی در جامعه با استفاده از ایجاد نهادهای نوین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مهم‌ترین اقدام در جهت نیل به رشد اقتصادی پایدار و توسعه است.

در مورد ایران نیز به نظر می‌رسد پدید آوردن هر چه بیشتر فضایی رقابتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که خود، زمینه‌ساز استفاده از ایده‌های بهتر جهت حل مشکلات است، می‌تواند در استفاده بهتر از منابع طبیعی مفید باشد. این امر همان‌طور که اشاره شد نیازمند نهادسازی در این زمینه‌ها است.

نتیجه‌گیری

بحث پیرامون تاثیر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورها قدمتی طولانی دارد، اما در خلال ۵۰ سال اخیر هم‌زمان با بروز برخی مشکلات در کشورهای صادرکننده موارد طبیعی تبیین‌های مختلفی از تاثیر منابع طبیعی بر رشد اقتصاد کشورها ارائه شده است. درحالی که تبیین‌های اولیه به‌طور عموم بر مباحث اقتصاد کلان مانند نرخ ارز و بهره وری متمرکز بوده‌اند، پس از ارائه نظریه نفرین منابع تمرکز بر مباحث اقتصاد سیاسی در مرکز توجهات قرار گرفت. اما همان‌طور که نشان داده شد، ما با تبیین واحدی درباره علل نفرین منابع روبرو نیستیم. در میان تبیین‌های مختلفی که درباره علل نفرین منابع ارائه شده است، تبیین‌هایی که بر نقش نهادهای تاکید می‌کنند، بیشتر مورد توجه

قرار گرفته‌اند و قدرت تبیین بیشتری دارند. با این حال رویکردی واحد درباره نقش نهادها در رشد کشورهای دارای منابع طبیعی وجود ندارد. در حالی که برخی از تبیین‌ها بر نهادهای بخش خصوصی تمرکز می‌کنند و بر نقش کارآفرینان تاکید دارند، گروهی دیگر از نظریه‌ها بر مسائل حکمرانی تاکید می‌ورزند. اما یافته‌های ما در این پژوهش که با استفاده از نظریه نورث و همکارانش (۲۰۰۹) به دست آمده است، نشان می‌دهد که مسئله اصلی نه یک یا چند نهاد خاص بلکه نحوه ایجاد نظم در جامعه است که کلیت ساختار نهادی جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا کشورهایی که با رویکردی دموکراتیک مسئله نظم را حل کرده‌اند دارای نهادهای بهتری هستند که این نهادها متضمن استفاده مناسب از منابع طبیعی و رشد اقتصادی پایدار است.

منابع

الف) فارسی

- گیلیس، ملکوم و پرکینز، دوایت‌اچ و رومر، مایکل و اسنودگراس، دانلدآر (۱۳۷۹). *اقتصاد توسعه*، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
- مهرآرا، محسن و کیخا، علیرضا (۱۳۸۷). نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵: روش پانل هم انباشتگی، فصلنامه اقتصاد مقداری. *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، سال پنجم، شماره چهارم، ۷۹-۵۵.
- میرشجاعیان حسینی، حسین و رهبر، فرهاد (۱۳۹۰). شناخت روابط علی میان مولفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع طبیعی، *سیاست‌های اقتصادی (نامه مفید)*، سال هفدهم، شماره ۸۷، ۶۷-۸۶.

ب) انگلیسی

- Acemoglu, Daron, Johnson, Simon & Robinson, James .A. (2001). The colonial origin of comparative development: an empirical investigation. *American Economic Review*, 91, 1369-1401.
- Auty, Richard M,(1993). *Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis*, Routledge.

- Baland, Jean-Marie & Francois, Patrick, (2000). Rent-seeking and resource booms. *Journal of Development Economics*. 61, 527–542.
- Beland, L.P. and R. Tiagi (2009). *Economic Freedom and the Resource Curse*." *Empirical Analysis*. Studies in Mining Policy, Fraser Institute.
- Boschini, A., J. Pettersson, and J. Roine (2007). *Resource Curse or Not: A Question of Appropriability*, *Scandinavian Journal of Economics* 109(3), pp. 593–617.
- Brunschweiler, Christa N. (2006). *Cursing the Blessings? Natural Resource Abundance, Institutions, and Economic Growth*, *World Development* Vol. 36, No. 3, pp. 399–419.
- Collier, Paul, Hoefler, Anke, (2009), Testing the Neocon agenda: Democracy in resource-rich societies, *European Economic Review*, Vol 53, Pp 293–308.
- Commons, John R, (1934), *Institutional Economics*. New York: Macmillan.
- Greif, Avner. (2006). *Institution and the Path to the Modern Economy. Lessons from Medieval Trade*. Cambridge University Press.
- Gylfason, Thorvaldur, (2001), *Nature, Power, and Growth*, *Scottish Journal of Political Economy*, 48, 5, 558–588.
- Gylfason, Thorvaldur, Zoega, Gylfi, (2006), *Natural Resources and Economic Growth: The Role of Investment*, *The World Economy*, 29(8), 1091–1115
- Haber, Stephen, Menaldo, Victor, (2010), *Do Natural Resources Fuel Authoritarianism? A Reappraisal of the Resource Curse*, Working paper.
- Jameson, Kenneth P, (2006), Has Institutionalism Won the Development Debate?, *Journal of Economic Issues*; 40, 2.
- Karl, Terry, (2007), *The Political Challenges of Escaping the Resource Curse*, "in *Macartan Humphreys, Jeffrey Sachs, and Joseph Stiglitz, eds., Escaping the Resource Curse: Optimal Strategies and Best Practices for Oil and Gas Exporting Developing*, Columbia University Press.
- Kolstad, Ivar, (2009), *The resource curse: which institutions matter?*, *Applied Economics Letters*, 16, 439–442.
- Kolstad, I. and Wiig, A. (2009), *It's the rents, stupid! The political economy of the resource curse*, *Energy Policy*, 37, 12, 5317–5325.
- Lane, Philip, Tornell, Aaron, (1999), *The voracity effect*. *American Economic Review* 89, 22–46.
- Leong, W. & Mohaddes, K., (2011), *Institutions and the Volatility Curse*, "Cambridge Working Papers in Economics 1145, Faculty of Economics, University of Cambridge.
- Mehlum, Halvor, Moene, Karl Ove, Torvik, Ragnar, (2006), *Institutions and the Resource Curse*, *The Economic Journal*, 116, 1–20.
- Mahdavy, Hussein, (1970), *The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran*. " In M.A. Cook ed., *Studies in the Economic History of the Middle East*, London, England: Oxford University Press.
- North, Douglass, c. (2005), *Understanding the process of Economic Change*, Princeton University Press.
- North, Douglass, c. (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge, U.K. and N.Y.: Cambridge University Press.
- North, Douglass C, Wallis, John Joseph, Weingast, Barry R, (2009a), *Violence and*

- Social Orders: *A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge University Press.
- North, Douglass C, Wallis, John Joseph, Weingast, Barry R, (2009b), violence and the rise of open-access orders, *Journal of Democracy* 20, 1, 55-68.
- North, Douglass, Denzau, Arthur T (1994), *Shared Mental Models: Ideologies and Institutions*, Kyklos, 94.
- Robinson, James A, Torvik, Ragnar, Verdier, Thierry, (2006), Political foundations of the resource curse, *Journal of Development Economics*, 79.
- Ross, Michael L, (1999), *The Political Economy of the Resource Curse*, World Politics, 51, 297-322.
- Sachs, Jeffrey D., Warner, Andrew, (1995). *Natural resource abundance and economic growth. Harvard Institute for International Development*, Development Discussion, 517.
- Sachs, Jeffrey D, Warner, Andrew M, (2001), Natural Resources and Economic Development: The curse of natural resources, *European Economic Review*, 45, 827-838.
- Sandbakken, Camilla, (2006), *The Limits to Democracy Posed by Oil Rentier States: The Cases of Algeria, Nigeria and Libya*, Democratization, 13, 1, 135-152.
- Shirley, Mary M. (2008). *Institutions and Development*, in Claude Menard and Mary M. Shirley. Handbook of New Institutional Economics, Springer, Netherlands, 611-638.
- Stijns, Jean-Philippe C, (2005), *Natural resource abundance and economic growth revisited*, Resources Policy, 30, 107-130.
- Torvik, Ragnar, (2002). Natural resources, rent seeking and welfare. *Journal of Development Economics* 67, 455-470.
- Torvik, Ragnar, (2001). Learning by doing and the Dutch disease. *European Economic Review* 45, 285-306.
- Torvik, Ragnar, (2009), *Why do some resource-abundant countries succeed while others do not?*, Oxford Review of Economic Policy, 25, 2, 241-256.
- Wantchekon, Leonard, (2002), Why do Resource Dependent Countries Have Authoritarian Governments? *Journal of African Finance and Economic Development*, 5, 2, 57-77.